

پیوندی

آلَسَندرو منزونِی

دکتر اشرف محمودیان

۱۳۹۷

شناسه : منزونی ، آلسندرو ، ۱۷۸۵ - ۱۸۷۳ م.

Manzoni, Alessandro

عنوان و پدیدآور: پیوندی / نویسنده السندرو منزونی؛ مترجم اشرف محمودیان

مشخصات نشر : تهران: ارغنون: ثمره، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۸۳۸ ص: مصور (بخشی رنگی) .

شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۸۰۰ - ۲۵ - ۰

داشت : فیپا :

یادداشت : عنوان اصلی : ۱۹۷۲، *Ipromessi sposi*

یادداشت: چاپ قبلی: ارغنون، ۱۳۸۶ (۷۹۴ ص).

موضوع : داستان های ایتالیا - قرن ۱۷ م.

موضوع : Italian fiction—20th century

شناسه افزوده : محمودیان اشرف ۱۳۱۵ - مترجم

رده بندی گنجره : ۱۳۹۷ پ ۹ / ۴۷ PQ

رده بندی دیویی: ۸۳ / ۹۱۴

شماره کتابخانه ملی: ۵۲۹۴۴۲۵

نام کتاب : پیوندی :

مؤلف : آلسندرو منزونی

مترجم : دکتر اشرف محمودیان

ناشر : انتشارات ارغنون / ثمره

تیراژ : ۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ : اول - سال ۱۳۹۷

شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۸۰۰ - ۲۵ - ۰

قیمت : ۷۹۰۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است.

۱۹۱۸۶۷
 ۹۷/۱۰/۱۷

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۱	زندگینامه مترجم
۱	آثار مترجم
۵	پیشگفتار
۱۴	دییاجه
۲۰	فصل اول
۴۵	فصل دوم
۶۴	فصل سوم
۸۶	فصل چهارم
۱۰۷	فصل پنجم
۱۲۷	فصل ششم
۱۴۷	فصل هفتم
۱۷۲	فصل هشتم
۲۰۲	فصل نهم
۲۲۷	فصل دهم
۲۵۷	فصل یازدهم
۲۷۹	فصل دوازدهم
۲۹۸	فصل سیزدهم
۳۱۸	فصل چهاردهم

۳۳۸.....	فصل پانزدهم.....
۳۶۱.....	فصل شانزدهم.....
۳۸۲.....	فصل هفدهم.....
۴۰۲.....	فصل هجدهم.....
۴۲۰.....	فصل نوزدهم.....
۴۳۹.....	فصل بیستم.....
۴۵۷.....	فصل بیست و یکم.....
۴۷۷.....	فصل بیست و دوم.....
۴۹۱.....	فصل بیست و سوم.....
۵۱۵.....	فصل بیست و چهارم.....
۵۴۵.....	فصل بیست و پنجم.....
۵۶۲.....	فصل بیست و ششم.....
۵۷۹.....	فصل بیست و هفتم.....
۵۹۵.....	فصل بیست و هشتم.....
۶۱۸.....	فصل بیست و نهم.....
۶۳۶.....	فصل سی ام.....
۶۵۲.....	فصل سی و یکم.....
۶۷۲.....	فصل سی و دوم.....
۶۹۲.....	فصل سی و سوم.....
۷۱۸.....	فصل سی و چهارم.....
۷۴۵.....	فصل سی و پنجم.....
۷۶۲.....	فصل سی و ششم.....
۷۸۹.....	فصل سی و هفتم.....
۸۰۶.....	فصل سی و هشتم.....

پیشگفتار

آلسندرو منزونی

آلسندرو منزونی « Alessandro Manzoni » در هفتم مارس ۱۷۸۵ در میلان تولد یافت. پدرش اشراف زاده ای به نام پیپترو « Pietro » و مادرش دختر چتریزا « Caterina » « Cesare Beccaria »، به نام جولیه « Giulia » بود. او تا سن شش سالگی، در خانه پدر بسر برد. آنگاه دانش آموز شبانه روزی مدرسه سومسکی « Somschi » گردید. وی از یک طرف به وسیله مربیان، سعی کرد، تا به بهترین سورت به اعتقادات دینی دست یابد. از طرف دیگر به دلیل مطالعات شخصی و افتخای که نسبت به خانواده مادری احساس می کرد، ذهن و فکر ابتدایی او، در اسیر منطق و انقلاب بر ضد ستمگران و مخالفان روحانیت، شکل گرفت. یکی دیگر از ممره تحصیلات اولیه وی، که به آن در فرهنگ و هنر خویش پایدار ماند، زبان لاتین است، که در آموزش پایه ای سنگین کلاسیک خود، بیشتر به آن پرداخته بود تا به یونانی. همین که از تحت سرپرستی مربیان خارج شد، در سن پانزده سالگی، شعرهای با عنوان پیروزی آزادی « il Trionfo della Libertà » سرود، که بعد از آن آثار دیگری نیز آرایه داد.

در سال ۱۸۰۵ مادرش را که از پدرش جدا شده بود، به پاریس همراهی کرد. و از بازیافتن مهر مادری غرق در شور و شادمانی گردید. در مدت اقامتش در پاریس که پنج سال به طول انجامید، نشانه هایی از پیشرفت زندگی داخلی شاعر دیده می شود. در حالی که تجربیات هنری را در سبک نئوکلاسیک پی می گیرد، با شرکت پیوسته، در گردهم آیی های گروهی، از فلاسفه، تاریخ دان،

زبان شناس و پیرو سبک رمانتیسم، فرهنگ خود را به سطح اروپایی سوق می دهد.

در سال ۱۸۱۰ آنچه را که مدت ها پیش، در روح و روان او می طپید، به دل فرو ریخت، و از فلسفه روشنگرایی « *filosofia illuministica* » و خداپرستی ولتری - بدون اعتقاد به پیامبران و مسایل دیگر مذهبی - به کاتولیک متدین گروید. کشیشانی، او را در آغاز نوپایی هدایت کردند. شخصیت بنیادی دینی وی، زمانی که با روز مینی « *Rosmini* » طرح دوستی می برد و آموزش فلسفی می بیند، تثبیت می شود.

در ژانویه سال ۱۸۱۰ به ایتالیا بازمی گردد. گاهی در خانه اش در میلان و زمانی در بلاهای بوسولویو و لِر « *Brusuglio, Lesa* » به زندگی و پرکاری می پردازد. تنها در ۱۸۱۰/۱۸۱۹ برای مدت ده ماه به امید اینکه، علاجی برای اختلالات عصبی خود بیابد، به پاریس می رود. در سال ۱۸۲۷ و ۱۸۵۶ نیز، برای شنیدن شیوه کار برد زبان در مِل، و گنجینه های آن، اقامت های کوتاهی در توسکنه « *Toscana* » داشته است. پُرآر تین سال های نگارنده از سال ۱۸۲۳ - ۱۸۱۲ می باشد.

یکی از اولین اثر هایش سروده های مقدس « *Inni sacri* » را در سال ۱۸۱۵ - ۱۸۱۲ می سراید، که چهار قسمت را دربر می گیرد: ۱- رستاخیز *La Resurrezione*؛ ۲- نام مریم *Il nome di Maria*؛ ۳- تولد مسیح *Il Natale*؛ ۴- رنج های حضرت مسیح *La Passione*. در این ها عقیده مذهبی و مردمی وی کاملاً احساس می شود، و اصل نوع دو شعر برادری و پیوند بشریت را مورد بررسی قرار می دهد.

در سال ۱۸۲۲ - ۱۸۱۷ نزول القدس « *la Pentecoste* » را به اثر نامبرده می افزاید. در قسمت اول اشعار، در چهار چوب عظمت کلیسای فعال، از آن تجلیل بعمل می آورد، و در قسمت دوم، واژه های جدید آزادی، برابری و عدالت را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

مرگ ناپلئون الهام بخش یکی از زیبا ترین قصیده های قرن به نام پنجم مارس « il Cinque marzo » می باشد. از محتوای انسانی و زمینی برخوردار، و مطالب دینی را مورد بررسی قرار می دهد؛ و در آن اشاره دارد به اینکه، سراسر زندگی قهرمانانه، همچون یک چشم بهم زدن، و انگار ها و خیال های متعدد برق آسا تشکیل می شوند، که همه، در نور مرگ و ابدیت مورد مطالعه قرار می دهند، و شکوه های زود گذر زمین را باطل می نماید؛ و بزرگان را با روتنای و ستمگران را با آزدگان یکسان می کند.

در آن اثر در نهشته هایش به مطالب فلسفی و تاریخی پرداخته، که این دو روش را می توان در اثر زیر یافت:

به سال ۱۸۱۰ بر سهی های اصول اخلاقی کاتولیک « Osservazioni sulla morale cattolica » به سال ۱۸۲۲ بحث در اطراف بعضی از نقاط تاریخی لونگوبرد ها در ایتالیا « il discorso sopra alcuni punti della storia longobardica in Italia » در نگارش.

قصیده های اولین تراژدی سیسی « نام کنت گرمتیول » il Conte di Carmagnola را در انقلاب پیه منته در سال ۱۸۲۰ ساخته، که موضوع میهن پرستی در فضایی از عدالت مسیحیت برپا داشت؛ آزادی انسان ها بوسیله قانون الهی محافظت می شود، و غاصبان و ستمگران را محکوم می نماید. اولین درامی است که در آن، یک ایتالیایی از وحدت دفاع می کند. این اثر توسط گوته « Gothe » بازدید و مورد تحسین و ستایش قرار می گیرد، و در آن پس، با اشتیاق و توجه کار های او را پی می گیرد.

در سال ۱۸۲۲ دومین تراژدی وی به نام ادلکی « L'Adelchi » به نگارش درمی آید، اشعار این اثر بینش تاریخی گسترده ای را دربردارند.

در همین سال ها است، که شکل و محتوای هنری او، بواسطه دوستی و مشاورت پنهانی با افراد و طرفداران اصول مکتب رمانتیک، تغییر پیدا می کند، که این، در اثر و نامه ای که درباره ی سبک مزبور نگاشته است، محسوس می

باشد. بعد از برگشت طغیان جوانی در مخالفت با حکومت، عقاید خود را در محیط لیبرالیسم معتدل و مسیحیت مستقر می‌کند.

بعد از ۱۸۲۷، نویسنده، سرودن اشعار را متوقف کرده، و تنها به نگارش رمان می‌پردازد؛ مسایل فرهنگی، تربیتی و معنوی را مطرح می‌سازد. در سال ۱۸۴۰ داستان ستون منفور را «Storia della Collona Infame»؛ منتشر می‌کند و به بررسی تطبیقی انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ «Saggio comparativo sulla rivoluzione francese del 17۸۹» و انقلاب ایتالیا در سال «la rivoluzione italiana del 1859» را می‌پردازد. انقلاب ایتالیا را که به براندازی حکومت‌های قدیمی منتهی می‌شود، قانونی و عادلانه شمرده، و لیکن انقلاب فرانسه را سر قانونی و غیر عادلانه می‌شمرد.

شالوده و طرح او به معروف‌ترین رمان خود را با عنوان فرمو و لوجیته «Fermo e Lucia» در ۱۸۲۱ فصل، بین سال‌های ۲۴ آوریل ۱۸۲۱ و ۱۷ سپتامبر ۱۸۲۳ فراهم می‌آورد. این نگارنده را ارضا نمی‌کند، و می‌خواهد نسبت به زبان نوشتاری دقت بیشتری دهد. از این رو پس از ویرایش و حذف بعضی از قسمت‌های تاریخی که بر روی سنگینی می‌کرد، با عنوان پیوند نامزد ها «Gli Sposi Promessi» به پایان می‌رساند. سرانجام در ۲۷ - ۱۸۲۵ با تبدیل عنوان کتاب به «پیوندی I Promessi Sposi» به چاپ می‌رساند. مترجم نیز وقتی که الفاظ عنوان «I Promessi Sposi» را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد، چنین نتیجه می‌گیرد:

«نامزد دختر Promessa + نامزد پسر Promesso = نامزدها Promessi»

و

«عروس Sposa + داماد Sposo = عروس و داماد Sposi»

پس ترجمه عنوان کتاب چنین می‌شد:

نامزد پسر نامزد دختر عروس و داماد

آیا واژه های نامبرده در کنار هم، می توانستند، به عنوان یک کتاب معنی ببخشند؟ خیر. وقتی که به بررسی معنای حقیقی و مجازی واژه های عنوان کتاب پرداختم؛ و تک تک آن ها را با واژه «پیوند» مترادف یافتم؛ پس واژه ی «پیوند» را که معنی «وصلت؛ مزاجت؛ وصل؛ وصال؛ ...» می دهد؛ برگزیدم؛ چون عنوان کتاب؛ به پیوند دو جوان اختصاص دارد؛ و داستان سرا نیز ماجرای پیوند آن دو را بطور اخص با رویداد های تاریخی کتاب می آمیزد؛ پس پسوند «ی» نیز در انتهای واژه «پیوند»؛ وجه تمایز ماجرای پیوند واحدی را که در عنوان داستان محتوای آن عرضه می شود؛ نشان می دهد. در نتیجه عنوان «پیوندی» ابریشم، بن شاهکار «I Promessi Sposi» که به زبان فارسی ترجمه کرده ام، مرکب می دانم.

مَنزونی حدود ۲۴ تا ۲۸ سال برای انجام آن، وقت صرف می کند. کتابی می باشد، که از وجدان مذهبی او نشاء، گم نه است. وی نمی خواهد، تنها یک اثر هنری و یا عقیده ای از یک دوره تاریخی را بیان کند، بلکه می خواهد اثرات معنوی مسیحیت را در زندگی فردی و اجتماعی نشان دهد. اعتقاد عمیق وی، به دخالت هر لحظه خدا، در پیش آمد های کوچک و بزرگ، چنان قوی است، که خواننده نیز می تواند آن را لمس کند. کتاب «پیوندی» داستان دو جوان بافنده ابریشم و پیوند زناشویی آنان است، که انبوهی از مسائل در آن شرکت دارند. نویسنده شخصیت ها را با ریزه کاری و دقت و ظرافت خاصی نقاشی می کند؛ حرکات و منش های آنان را که ناشی از واکنش های درونی است با مهارت ویژه ای توجیه می نماید؛ ابزار ها و طبیعت و فضای دور و بر را در رابطه با انسان ها که با آن در تماس هستند با زیبایی و نبوغ خاصی بیان می کند. آن وقت است، که خواننده همچون تماشاگر کاملاً آشنا و مجذوب به دنیای بازیگران راه می یابد.

نوشته های این شاهکار غنا و عمق فکری خاصی را دربرمی گیرد. از این جهت مطالعه‌ی آن به جوانان توصیه می‌شود، زیرا مشکلات «نه کم و نه کوچک» جوری خودشان را زیر پوشش شیوه معجزه آسا و فریبنده پنهان می‌کنند؛ که آن‌ها با هوشیاری فکری و تأمل روشن می‌گردند؛ طوری که یک خواننده نا وارد، اغلب بدون آنکه مطلب را متوجه شود، و با تصور به اینکه قابل فهم می‌باشد؛ اینجاست، که دقت خواننده را به ژرف و کنه مطلب می‌کشاند و در این تأمل در مشکلات و توجه به زیبایی‌ها؛ قادر به حل و درک آن می‌شود. و اینجاست که هدف و فکر نگارنده در قالب زیبایی خاص و چشمگیری، روشن و متاثر می‌گردد.

در این اثر سازنده‌ها انگار واقعی هستند. زیرا گفتارشان متناسب و درخور حرکات و رفتار و شخصیت بازیگریشان می‌باشد، که این منش‌ها حتی با آنچه که از ذهن آنان می‌گذرد، نیز تطابق دارد. واژه‌ها، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها برحسب موقعیت طبقات قشری بیان می‌گردند؛ کشیش، مزدور، کلفت، مادر، قاضی، مردم فقیر... این هم آهنگی، رفتار آدم‌ها را کاملاً واقعی جلوه گر می‌سازد.

نگارش این اثر، اغلب در جمله‌های طولانی حتی تا چندین خط، و با رعایت نشانه‌ها و قواعد دستور زبان ادا شده است که به درک آن علاوه بر شناخت به گفتار زبان افراد متفاوت، به تسلط کامل در نحوه نگارش، نیز نیاز است.

منزونی انتخاب زبان را برای هنرش نیاز فوری و ضروری دانست. معنی او بر این بود، که گفتار قدیمی را منسوخ و اصطلاحات خیلی ادبی را از میان برداشته، و واژه‌هایی را به کار برد که به گویش مردم عوام نزدیک باشد. برای او زبان ایده آل، زبان ساده مردمی و وسیله ارتباط هر طبقه ایتالیایی و در عین حال ملی بود. او لازم دانست، که وجه تمایز ادبا را که قرن‌ها رایج بود، از

میان بردارد، و نحوه بیان روزمره را بکار بندد. در اطراف همین تئوری زبان فلورانس را برای نگاشتن رمان خود برمی‌گزیند.

این ابتکار و تازگی شیوه‌ی او در « پیوندی » شاید پراهمیت‌ترین و غنی‌ترین پدیده‌ی ای است که تاریخ ادبیات ایتالیا بعد از ۱۲۰۰ به خود دیده، و یکی از شاهکارهای وی می‌باشد، که در مدارس ایتالیا تدریس، و به اغلب زبان‌های دنیا برگردان شده است.

نمونه‌ها و گرفتاری‌های خانوادگی و عزاداری پیایی: مرگ همسر عزیزش انریکته « Enrichetta »، مادرش، زن دومش، و شش نفر از هشت فرزند همسر اولش، نااحتی مداوم جسمانی اش در آرامش مسیحی عمر طولانی وی، خللی وارد نمی‌آید. او در زمان خود، مورد ستایش یک پارچه مردم، و مورد تحسین ادبا و منتقدان ایتالیایی و اروپا قرار گرفت. منزونی از اولین کسانی است، که عقیده بر استقلال و وحدت ایتالیا را داشت، و همراه پسرانش در شورش سال ۱۸۴۸ شرکت کرد. شعار معروف زیر، حدود سال ۱۸۱۵ از اوست. اگر یکی نباشیم آزاد نخواهیم شد. « Liberi non saremo se non siamo » در سال ۱۸۶۱ شاه ایتالیا وی را به سناتورن فراخواند. بالاخره در ۲۲ ماه مه ۱۸۷۳ در میلان دارفانی را وداع گفت. چندی بعد « Giuseppe Verdi » آهنگ ساز مشهور ایتالیایی، موزیک مراسم ترحیمی را که بخاطر اولین سال یادبود وی برگزار می‌شود، می‌سازد.

در تمام آثار منزونی معنویت و انسانیت به طور عمیق احساس می‌شود. او، به قربانیان، به بینوایان، به افتادگان و به افرادی که در خفا می‌کوشند، به آنان که ازشان بهره برداری می‌شود، و به فداکاری کسانی که توسط مورخان حرفه‌ای انکار و ارزش قایل نشده‌اند، توجه ویژه‌ای دارد. متقابلاً تنفر بنیادی خود را به « قهرمانان رذل » که بازیگران سیاست و سیاستمداران، جنگجویان و فاتحان می‌باشند، ابراز می‌دارد.

تمام نیکی ها و خوبی ها را، از آن افتادگان و ساده ها می داند. در حالی که زور و ستمگری را به قدرتمندان نسبت می دهد.

وضع قانون را از طرف اربابان با طنز تلخی تفسیر می کند، چون آن طوری که باب میلشان است، تدوین می کنند. اما تشویش و نگرانی رنزو « Renzo » - از شخصیت های پیوندی - را راجع به عدالت، که می گوید، « بالاخره در این دنیا عدالت خدا وجود دارد » را به باد مسخره نمی گیرد. علاقه و رحم و شفقت او به مستمندان، در محتوای اثر او درک می شود، که این نشانه ی روشنی از نوع دوستی او می باشد، که در « پیوندی » از خود باقی گذاشته است.

آموزش فلسفه شنگرایی به منزونی کمک می کند، که قبل از هر چیزی مساوات و دموکراسی را اصل انجیلی خارج کند.

بنظر منقدان مسیحی، که به انسان نزدیک و تا اعماق وجود او رفته و با زیرکی او را درک نموده، و به روش شناسانده است. او مریدان و پیروان زیادی پیدا کرد.

در اعتقاد مذهبی آشکار او مفهوم با ارزش زندگی بشر حس می شود. نتیجه گیری های او هرگز منفی نیست، و خواننده پس از خواندن نوشته هایش همواره با اطمینان و امید و مسرت از آن خارج می شود.